

بررسی و تحلیل انواع تشبیهات و استعارات در کلیات سلمان ساوجی

(ص ۳۸ - ۱۹)

علی آزاد منش (نویسنده مسئول)^۱، عبدالرضا شریفی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۷/۲

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۸/۱۰

چکیده

خواجه سلمان ساوجی اوایل قرن هشتم در ساوه تولد یافت. از آخرین قصیده سرایان معروف پیش از صفوی محسوب میشود. شهرت وی مرهون غزلیات نغز اوست. این مقاله در پی این ضرورت، به دنبال پاسخ‌گویی به این سئوالات است: وضعیت کمی و کیفی تشبیهات و استعارات و انواع آن در کلیات سلمان چگونه است؟ به دنبال آن چگونه میتوان وزن و ارزش و منابع الهام و حوزه‌های مختلف بکارگیری تصویرهای خیال وی را تعیین و داوری کرد؟ بعد از تشبیه، استعاره مصرّحه، استعاره مکنیه از نوع تشخیص و استعاره مکنیه از نوع غیر تشخیص، عناصر خیال وی را تشکیل میدهند. تشبیهات و استعارات وی در مدح معشوق و ممدوح و توصیف زیبایی‌های طبیعت، وصف مجالس بزم و در قلمرو عام غزل و تغزل بکار رفته‌اند. شاعر بیشتر به تشبیهات بلیغ و مُرسل و مفرد و حسی‌گرایش دارد. تشبیه تفصیلی در شعر وی وجود ندارد. در شعر سلمان تشبیهات مرکب بکار رفته و اغلب اجزای سازنده آنها حسی به حسی هستند. وجه شبه‌ها در تشبیهات مرکب بیشتر اشتراک در شکل و رنگ، بعد از آن اشتراک در نتایج است. مهم‌ترین خلاقیت سبکی سلمان در هم‌تنیدن تشبیهات با تناسب مبتنی بر تلمیح میباشد که در این مقاله بصورت خاص بررسی شده.

کلمات کلیدی

سلمان ساوجی، کلیات، تشبیه اضافی، تشبیه غیر اضافی، استعاره مکنیه، استعاره مصرّحه

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی مجتمع آموزش عالی شهرستان بم، ایران؛ Azadmanesh@uk.ac.ir

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد میناب، گروه زبان و ادبیات فارسی، ایران

مقدمه

ملک الشعراء خواجه جمال الدین سلمان بن علاءالدین محمد ساوجی معروف به سلمان ساوجی از بزرگترین شعرای قرن هشتم و آخرین قصیده‌سرای بزرگ قبل از دوره بازگشت است. در اهمیت شعر سلمان تأثیرگذاری فراوان او در شعر حافظ است (رک: تأثیر و تأثر سلمان و حافظ، محمودرضا سازواری).

«وی در خاندان نسبتاً معروفی به جهان آمده بود. پدرش خواجه علاءالدین ساوجی مردی اهل قلم بوده است. ولادت سلمان در شهر ساوه در اوایل قرن هشتم و در حدود سال ۷۰۹ هجری اتفاق افتاد و ظهورش در شعر و اشتهارش در این فن، پس از کسب مقدمات علوم و آموختن آداب دیوانی و علم سیاق، در اواخر عهد ایلخانان و به هنگام وزارت غیاث الدین محمد بوده است و سلمان در آغاز کار خود این وزیر ادب پرور را چند بار ستوده و قصیده مصنوع او موسوم به «بدایع الاسحار» در ستایش آن وزیر دانش دوست است» (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۳، ص ۱۰۰۵).

هدف این مقاله بررسی و تحلیل تشبیهات و استعارات به کار رفته در کلیات سلمان ساوجی و نشان دادن وضعیت کمی و انواع آنهاست. این مقاله به روش سندکاوی و کتاب خوانی انجام گرفته و مطالب آن به شیوه توصیف، طبقه‌بندی و استنباط، بیان شده است. از بین نسخه‌های مختلف، کلیات سلمان ساوجی با مقدمه و تصحیح مهرداد اوستا انتخاب گردید. این نسخه قریب به یازده هزار بیت دارد و شامل قصاید، غزلیات، رباعیات، ترجیعات و مثنویات است. اعداد داخل پرانتز نشان دهنده صفحه کلیات سلمان ساوجی میباشد. مجموعه مقالات کنگره جهانی سلمان ساوجی (۲۳ و ۲۴ اردیبهشت ۱۳۷۷) را به عنوان پیشینه تحقیق پیش چشم داشته‌ایم. در این مجموعه مقالات مقاله‌ای که با دید جزئی‌نگر، موضوعی و همه جانبه به تشبیه و استعاره پردازد، وجود ندارد.

۱- تحلیل مباحث تشبیه و انواع آن

۱-۱- تشبیهات غیراضافی

۱-۱-۱- تشبیهات مرکب در قصاید

در تشبیه مرکب مشبّه و مشبّه‌به از اجزاء مختلف تشکیل شده‌اند، بنابراین طرفین تشبیه هر کدام یک هیئت ترکیبی هستند و پیوند اجزاء مدنظر است، در کلیات سلمان ساوجی جمعاً (۱۴۰) تشبیه مرکب وجود دارد که (۱۰۷) تشبیه مرکب مربوط به قصاید است و (۳۲) تشبیه مرکب در بخش غزلیات، قطعات، رباعیات، ترجیعات، ترکیبات و مثنویات جای دارند. تشبیهات مرکبی که در قصاید آمده است با توضیح ایهام نهفته در آنها به شرح زیر است:

غریق نعمت دنیا دهد جان از پی نان / چو در دریا ز شوق آب، مسکین جان (۲)

مشبه و مشبه‌به هر کدام یک هیئت ترکیبی هستند، وجه شبه‌ی که از این دو استخراج میشود نیز یک هیئت ترکیبی است؛ «فانی شدن و از بین رفتن به صورت تدریجی» وجه شبه است.

«هرگاه مشبه‌به مرکب بود، وجه شبه غالباً مرکب میشود و اگر احياناً خود شاعر وجه شبه‌ی را به صورت مفرد ذکر نموده است، باید آن را تأویل کرد.

دلیم در بند تنهایی بفرسود چو بلبل در قفس روز بهاران
مشبه مقید عقلی و مشبه‌به، مرکب هستی و وجه شبه «فرسودن» است که باید آن را بسط داد: حالت تحسر و اندوه شدید در طی روزگاران حاصل از عدم بهره‌گیری» (بیان، شمیسا: ص ۱۰۹).
وجه شبه: «هنری‌ترین وجه شبه آن است که از مشبه‌به مرکب اخذ میشود، هیئت حاصله از امور متعدد است و به اصطلاح منتزع از چند چیز است؛ یعنی تابلو و تصویری است که از مجموع جزئیات گوناگون حاصل میشود و فقط اذهان ورزیده و مأنوس به شعر قادر به لذت بردن از آنند و بدین لحاظ ممکن است ذهنی نسبت به ذهن دیگر جزئیات بیشتری از تصویر را دریابد» (بیان، شمیسا: ص ۱۰۷).

آثار حسامت صف اعدا درد از هم چون تاب شعاع قمر اوتار کتان را (۵)
مشبه: آثار شمشیر ممدوح شاعر که سبب از هم گسیختگی صف دشمنان میشود.

مشبه‌به: یک تفکر قدیمی است، پارگی کتان در اثر تابش نور ماه.

در این جا «گسیختگی» وجه شبه است.

قهر تو به یک ضربتشان بر کند از جای چون باد خزان از شجر أوراق رزان را (۵)

وجه شبه در این بیت نیز از اجزای مشبه و مشبه‌به بدست می‌آید و آن «تفرق و پراکندگی» است.

خیال سبزه و آب روان بدان ماند که خضر بر سر آب افکند مصلی را (۶)

«کار خارق‌العاده و شگفت‌انگیز» وجه شبه‌یست که از اجزای مشبه و مشبه‌به حاصل میشود.

شادی اندر نام او مدغم چو در صهبا نشاط همت اندر ذات او مضمهر چو درانجم ضیا (۸)

مصرع اول حاوی یک تشبیه مرکب است، وجه شبه: «ادغام یک چیز در درون چیز دیگر»

مصرع دوم نیز یک تشبیه مرکب است، «پنهان شدن صفت و حالتی در درون یک چیز»

وجه شبه‌ی است که از دو طرف تشبیه بدست می‌آید.

۱-۱-۲- تشبیهات مرکب در غزلیات، قطعات و...

تشبیهات مرکب بکار رفته در غزلیات، قطعات، رباعیات، ترجیعات، ترکیبات و مثنویات با توضیح ایهام نهفته در آنها به شرح زیر است:

تو در حجاب ز چشمم چو ماهی اندر میغ منم اسیر به زلفت چوماهی اندر شست^(۲۸۶)

تو در حجاب ز چشمم (مشبه مرکب) چو ماهی اندر میغ (مشبه به مرکب)، قرار گرفتن سفیدی در سیاهی (وجه شبه)

منم اسیر به زلفت (مشبه مرکب) چو ماهی اندر شست (مشبه به مرکب) در قید بودن (وجه شبه).

خیال لعل لب بر سواد دیده من مصور است چو نقشی که بر نگین باشد^(۳۱۴)
وجه شبه: حک شدن چیزی بر روی چیز دیگر.

دورم از جانان و مسکین آنکه شد مهجور ازو چون تنی باشد که جانش رفته باشد دور ازو^(۳۹۷)

وجه شبه: جدا شدن دو چیز لازم و ملزوم (جدا شدن یک چیز از چیز دیگر).

۱-۱-۳- نتایج کلی تشبیهات مرکب

همان طور که گفته شد در کلیات سلمان ساوجی جمعاً ۱۴۰ تشبیه مرکب وجود دارد. اغلب اجزای سازنده تشبیهات مرکب، حسی به حسی هستند. تعداد ۹۴ تشبیه مرکب حسی به حسی، ۳ تشبیه مرکب حسی به عقلی در صفحات (۲۹ و ۸۳ و ۵۳۶) و ۲ تشبیه مرکب عقلی به عقلی در صفحات (۲۰۶ و ۲۱۵) و ۴۱ مورد تشبیه مرکب عقلی به حسی در سراسر کلیات سلمان به کار رفته است.

اجزای سازنده تشبیهات مرکب در دو حوزه کلی طبیعت بیروح شامل زمینی و فلکی و طبیعت زنده شامل نبات (گلها و درختان) و حیوان و انسان شامل اعضا و اندام انسانی امور مربوط به انسان از قبیل: جان، عشق، عقل، دل، افکار و خاطر و همچنین مصنوعات انسان از قبیل: ساغر، کاسه، تیغ، تاج و دستبند و امثال اینها.
نمونه‌ها:

ای خد دلفریب تو بر قد دلکشت چون ماه چارده شبه بر خط استوا (۱۱)

اجزای سازنده: انسان و طبیعت بیروح فلکی (ماه) و زمینی (خط استوا).

چودامادی که در خلوت، عروس تازه رو یابد خزد باد صبا هر دم در آغوش گل رعنا^(۱۵)

- اجزای سازنده: انسان و طبیعت بیجان و جاندار (باد صبا و گل).
ماهی تنان و ماهرخان در میان شط چوعکس مه در آب و چو ماهی در آشنا^(۱۶)
اجزای سازنده: طبیعت زنده و غیر جاندار و انسان.
پلک کبود نرگس چشم پر آب من نیلوفری است کو نکند میل آفتاب^(۲۳)
اجزای سازنده: اعضای انسان و نبات.
نبات از بر مرکز قطب گردون چو بر خاطر روشن افکار صایب^(۲۹)
اجزای سازنده: مصرع اول: طبیعت بی روح، مصرع دوم امور مربوط به انسان.
شهاب از رخ صفحه چرخ ریزان چو بر برگ نیلوفر امطار ساکب^(۲۹)
اجزای سازنده: مصرع اول: طبیعت بی جان، مصرع دوم نبات (طبیعت جاندار) و باران از عناصر مربوط به طبیعت بی جان.
لاله دل سیه سبز قبا دانی چیست؟ صورت شام و شفق، هیئت مریخ و زحل^(۱۶۲)
اجزای سازنده: طبیعت زنده و طبیعت غیر جاندار.
نگارش ستاده در آن انجمن چو سرو سهی در میان چمن^(۴۹۲)
اجزای سازنده: انسان و طبیعت زنده (درخت سرو و چمن).
بر برگ رزان قطره باران شده ریزان اشکیست که بر چهره عشاق روانست^(۷۰)
اجزای سازنده: مصرع اول: طبیعت زنده (برگ رزان) و عنصر مربوط به طبیعت غیر زنده قطرات باران، مصرع دوم: انسان و امور مربوط به آن.

۱-۱-۴- وجه شبهها

وجه شبهها در تشبیهات مرکب بیشتر اشتراک در شکل و رنگ و بعد از آن اشتراک در نتایج است. یعنی نتیجه‌ای که از اجزای مشبه بدست می‌آید، همانند نتیجه‌ای است که از اجزای مشبه‌به حاصل میشود و همچنین اشتراک در صفات و حالات.

۱-۱-۵- ساختار ظاهری تشبیهات مرکب

ساختار ظاهری تشبیهات مرکب بیشتر بدینگونه است که هر مصرع یک هیئت ترکیبی است که از اجزای مختلف پدید آمده است؛ یعنی یک بیت، یک تشبیه مرکب است. نمونه‌ها:

- بادام چشم من زده بر پلک‌ها شکر لوزینه‌ای است ریخته جلابش از گلاب^(۲۴)

مصرع اول: مشبّه مرکب، مصرع دوم: مشبّه‌به مرکب.
 گونه دیگر: در یک بیت دو تشبیه مرکب وجود دارد، یعنی مصرع اول شامل مشبّه و مشبّه‌به مرکب و مصرع دوم نیز شامل مشبّه و مشبّه‌به مرکب.
 نمونه‌ها:

تاج برفرق تو، چون ماه‌فروزان ز فلک تیغ در دست تو، چون برق درخشان ز سحاب^(۳۲)
 مصرع اول: تاج برفرق تو (مشبّه مرکب)، چون ماه‌فروزان ز فلک (مشبّه‌به مرکب).
 مصرع دوم: تیغ در دست تو (مشبّه مرکب)، چون برق درخشان ز سحاب (مشبّه‌به مرکب).
 هوا ز عکس شقایق، سفینه‌ای است ملوّن زمین به شکل حدائق، کتیبه‌ایست مصوّر^(۱۲۰)
 مصرع اول: هوا ز عکس شقایق (مشبّه مرکب)، سفینه‌ای است ملوّن (مشبّه‌به مرکب).
 مصرع دوم: زمین به شکل حدائق (مشبّه مرکب)، کتیبه‌ای است مصوّر (مشبّه‌به مرکب).
 وجه شبه: اشتراک در شکل و رنگ

۱-۱-۶- ساختمان تشبیهات مرکب

در تشبیهات مرکب یک هیئت انضمامی به یک هیئت انضمامی دیگری تشبیه میشود. یعنی مشبّه از چند چیز به وجود آمده و مشبّه‌به نیز از اجزای مختلف تشکیل شده است. وجه شبه نیز حاصل اجزای مختلف است و یک هیئت ترکیبی که اجزای آن یا «بر» همنند یا «در» همنند یا «گرد» همنند یا «پیش و پس» هم. بنابراین تشبیه مرکب دو یا سه یا چهار جزء خواهد داشت.

نکته مهم این است که در تشبیه مرکب نباید اجزاء را به صورت منفرد و جدا در نظر بگیریم چرا که در آن صورت تشبیه مرکب بی‌معنی میشود، مقصود اصلی در تشبیه مرکب پیوند دو یا چند چیز در مشبّه و مشبّه‌به است.

از این نظر تشبیهات مرکب یا حاصل دو جزء است (مرکب اسمی) یا سه یا چهار جزء مرکب فعلی.

این تقسیم بندی ساختاری بر تشبیهات مرکب سلمان ساوجی نیز قابل انطباق است. به نمونه‌های زیر بنگرید:

تاج برفرق تو چون ماه‌فروزان ز فلک تیغ در دست تو، چون برق درخشان ز سحاب^(۳۲)
 تشبیه مرکب از دو جزء (مرکب اسمی): در مصراع اول اجزا عبارتند از: تاج و فرق (مشبّه مرکب)، ماه و فلک (مشبّه‌به مرکب)، در مصراع دوم: تیغ و دست (مشبّه‌به مرکب)، برق درخشان و سحاب (مشبّه‌به مرکب).

مرا معانی درّی است در کلام متین نشسته چون زر و یاقوت در دل احجار^(۱۱۴)
مرکب دو جزئی (مرکب اسمی): در مصرع اول اجزاء عبارتند از: درّ معانی و کلام (مشبّه
مرکب)، در مصرع دوم: زر و یاقوت و دل احجار (مشبّه به مرکب).

۱-۱-۷- تشبیه مفرد به مرکب

در کلیات سلمان ساوجی شش تشبیه مفرد به مرکب یافت شد:
در آن شب دید جمشید آفتابی چو طاووس خرامان در خرابی^(۵۲۴)
آفتاب: استعاره از معشوق (مشبّه مفرد)، چو طاووسی خرامان در خرابی (مشبّه به مرکب)
بگفتا ای چو شکر مانده در تنگ چو یاقوتی نشسته در دل سنگ (۵۲۶)
مشبّه محذوف (معشوق)، چو شکر مانده در تنگ (مشبّه به مرکب اول)، چو یاقوتی
نشسته در دل سنگ (مشبّه به مرکب دوم) شاعر برای یک مشبّه دو مشبّه به آورده است.
سپهدار ایران چو باد وزان که خیزد به فصل خزان در رزان (۴۹۴)
سپهدار ایران (مشبّه مفرد)، چو باد وزان که خیزد به فصل خزان در رزان (مشبّه به مرکب).

۱-۱-۸- مواد سازنده «مشبّه به‌ها» در قصاید و نمونه آنها (منابع الهام)

قصاید سلمان ساوجی از حیث مواد سازنده مشبّه به‌ها با توجه به میراث ادبی تشبیب. نسیب
قصاید، در همان شاکله سنتی نگرشی به طبیعت و نگاهی به عالم عشق جای میگیرد و
رده بندی میشود. یعنی در مدح معشوق و ممدوح و توصیف زیباییهای طبیعت، مطابق سنت
ادبی و وصف مجالس بزم و از این قبیل مسائل.
توصیف طبیعت در قصاید سلمان صرفاً برای به تصویر کشیدن طبیعت و از جنس
تصویرگری منوچهری نیست بلکه مقدمه و پیش درآمدی است برای ورود به مدح ممدوح؛
بنابراین حوزه اندیشه وی در قصاید محدود به مدح و تغزل مکرر است که فقط از نظر فنون
بیانی قابل توجه است نه از نظر درونمایه و پیام. غالب فنون بیانی او (تشبیه، استعاره، مجاز
و کنایه) در مقدمه قصاید جای دارند.

قصاید سلمان ساوجی «بیشتر در مدح خاندان جلابری است و بنابر مناسبات و
پیشامدهایی پرورده شده که در آن وقت آنها را بسیار جالب توجه میکردند است. لیکن امروز
برای اشخاصی که از وقایع درست مطلع نیستند، البته آن تأثیر را ندارد» (مقدمه کلیات سلمان
ساوجی، تصحیح مهرداد اوستا).

«راجع به تشبیب و تغزلهای قصاید سلمان این نکته را باید همواره در نظر داشت که
غالباً ممدوح و معشوق مشتبه شده و تغزل قبل از تخلص به مدیحه میرسد گویی وقتی که

شاعر تغزل را شروع میکند همان ممدوح را در نظر دارد و این حالت از اشعار او بخوبی نمایان است؛ چنانکه هر لحظه پس از چند شعر به خاطرش می‌آید که خیلی تصریح کرده ناگاه عنان را منعطف نموده و نظر عاشقانه را تعمیم میدهد لیکن باز در اشعارش خود به خود ممدوح و معشوق منطبق میگردند. این است که غالباً مجبور به تجدید مطلع و گنج‌نایدن تغزل تازه در قصاید میشود» (همان).

«سلمان نه تنها در حضور سلطان اویس عنان اختیار از دست داده و تغزل و مدیحه را با هم اشتباه میکرد بلکه نسبت به دلشاد و دندی خاتون دخترش نیز عمداً یا سهواً خود را به اشتباهات میزد. قصیده مدح دلشاد یا دندی شروع میشود به وصف موی و روی دلبر که تا به تخلص نرسیده، شخص خیال میکند مقصود وصف روی و موی و معاشقه با قد و چهره ممدوح است. مراجعه به دیوان این نکته را اثبات میکند» (همان).

به دلیل اهمیت مشبّه‌به‌ها پس از بیان دسته‌بندی آنها، در جدولی جداگانه نمونه‌ای از مواد سازنده مشبّه‌به‌ها نیز نشان داده میشود.

مواد سازنده مشبّه‌به‌ها در قصاید به سه دسته قابل تقسیم است:

۱. طبیعت بی‌روح (زمینی و فلکی): باران، صبح، ایام، کوه، آفتاب، ماه، لیال، مساء، محیط، سپهر، نجوم، حباب، آتش، برق، صبحدم، چرخ، بدر، چشمه، قمر، شب، قطره، آب، صبا، دریا، زحل، هلال، توامان، آسمان و...

۲. طبیعت زنده:

الف. نبات (گلها و درختان و شکوفه‌ها و گیاهان): شکوفه، غنچه، بادام، سرو، نرگس، چنار، بهار، شمشاد، گیاه، بنفشه، گل، شاخ بارور، بید، نخل، سوسن، صنوبر، شاخ رزان، عبهر، انار، چنار، لاله، باغ و...

ب. حیوان بطور عام شامل پرندگان و خزندگان: عنقا، سگ، بلبل، مار و موش، اژدها، نیش عقرب، سیمرغ، طوطی، کرم پبله، عقرب، ماران سیاه، مار ضحاک، باز، مرغ، خفاش و...

ج. انسان (اعضا و اندام) و امور و حالات انسانی: مجنون، خوبان ختا، سودا، عیسی، اشک، موی شاهدان، زلیخا، چشم عاشقان، زلف شاهدان، عقل، همت، حلم، ذکا، مردمک چشم، خضر، یوسف، اندیشه، پیرزال، خال و...

۳. اشیاء زینتی و قیمتی (جواهرات) مصنوعات انسانی: لؤلؤ، تنور، نيزه، تیغ، کعبه، آسیا، نافه، شبه، در، سفینه، تاج، عصا، شمع، شمسه ایوان، خیمه، جام، دام، آینه، قدح، پل، موم، صدف، چوگان، درع، قندیل، هاون، عنبر، کلید، عود، رسن، نعل، زر، شکر، سکه، تیر، کمان، لعل، نقره، کافور، طاس، کشتی، می، صراحی جزع یمان و...

۱-۱-۹- بررسی عناصر سازنده تشبیهات غیراضافی در غزلیات، قطعات، رباعیات، ترجیعات، ترکیبات و مثنویات

«تشبیه هسته اصلی و مرکزی اغلب خیالهای شاعرانه است. صورتهای گوناگون خیال و نیز انواع تشبیه، مایه گرفته از همان شباهتی است که نیروی تخیل شاعر در میان اشیا کشف میکند و در صور مختلف به بیان در میآورد» (سفر در مه، پورنامداریان: ص ۲۱۴).

در این قسمت بدون احتساب تشبیهات مرکب که جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است، به بررسی مشبه و مشبه‌ب‌های تشبیهات غیراضافی در غزلیات، قطعات، رباعیات، ترجیحات، ترکیبات و مثنویات از حیث مواد سازنده آنها میپردازیم.

منظور از تشبیه غیراضافی، تشبیهی است که بصورت ترکیب اضافی بیان نشده باشد، «تشبیه را بطور کلی از نظر صورت بیانی میتوان در دو صورت فشرده و گسترده خلاصه کرد. منظور از تشبیهات فشرده تشبیهاتی است که با افزودن دو طرف تشبیه (مشبه و مشبه‌ب) به صورت یک ترکیب اضافی در میآید. تشبیه گسترده، تشبیهی است که به صورت ترکیب اضافی بیان نشده باشد و ممکن است هر چهار رکن تشبیه یعنی مشبه، مشبه‌ب، وجه شبه و ادات تشبیه ذکر شود و ممکن است وجه شبه یا ادات تشبیه و یا هر دو حذف شود» (همان: ص ۲۱۴).

شعر سلمان از نظر تشبیه چه بصورت گسترده و چه بصورت فشرده بسیار غنی است. مجموعاً ۴۲۶ تشبیه غیراضافی بدون احتساب تشبیهات مرکب، فقط در غزلیات، قطعات، رباعیات، ترجیعات، ترکیبات و مثنویات به کار رفته است. مواد «مشبه» این تشبیهات به جز ۲۹ مورد، بقیه تماماً انسان و اعضای انسان و صفات و حالات انسانی است؛ چرا که مضامین این بخش از شعر شاعر صرفاً عاشقانه است. در جدول زیر مواد مشبه‌هایی که غیرانسان است، نشان داده شده است:

مشبه	مشبه‌ب	وجه شبه	صفحه کلیات
دو کون	سراب	واقعی نبودن	۲۵۱
جویبار باغ	چشم شاعر	گذر خیال	۲۵۹
روز	رخ معشوق	درخشندگی	۳۰۷
زمین	دریای سیماب	لغزندگی	۴۸۳
جهان	رباط	ناپایداری	۴۷۶
خاک درگاه معشوق	شربت	گوارایی	۴۶۰
نرگس	چشم یار	شکل (گردی و سیاهی)	۵۱۰

۴۸۴	سیاهی	موی بتان	شب
۴۷۴	ثمردهی	درخت	عدل
۲۷۴	تاریکی	زلف	شب فراق
۲۷۵	ارزشمندی	در	نوشتۀ دیده
۵۱۰	تناسب	قامت یار	سرو
۲۸۸	سوزندگی	آتش	باده

عناصر و مواد سازندهٔ مشبّه‌ها به سه دسته تقسیم میشوند:

۱. طبیعت بی‌روح (زمینی و فلکی).
 ۲. طبیعت زنده شامل: الف- نبات (گلها و درختان) ب - حیوان به صورت عام شامل پرندگان و خزندگان ج - انسان (اعضاء و اندام) و امور مربوط به انسان.
 ۳. جواهرات و سنگهای قیمتی، بناها و مصنوعات انسان.
- با توجه به اینکه در جدولی جداگانه مواد سازندهٔ مشبّه و مشبّه‌ها با ذکر وجه شبه و صفحه کلیات سلمان ساوجی را آورده‌ایم، در اینجا نمونه‌هایی برای این سه دسته می‌آوریم:
۱. طبیعت بی‌روح (زمینی و فلکی): کوه، صبح، آب حیوان، آفتاب، خاک، شب یلدا، سراب، ماه، حباب، صبا، قطره، هلال، صباح، کوه الوند، ذره، آتش، دود، خورشید، سایه، شام، سحر، گنج، گرد، شبنم، ابر نوبهاری، نسیم، دریا، بحر، انجم و... .
 ۲. طبیعت زنده: الف . نبات (گلها و درختان): نرگس، سرو، گلبرگ، نی، سرو، لاله، بنفشه، گل، صنوبر، سوسن، درخت، نیلوفر، بید، پسته و... .
 - ب . حیوان به صورت عام شامل پرندگان و خزندگان: کبوتر، طایر قدس، ماهی، پروانه، بلبل، آهو، مار و... .
 - ج . انسان (اعضاء و اندام) و امور مربوط به انسان: نور چشم، من (معشوق)، زلف، رخ، بیماری، اشک، موی، چشم، جان، عمر، مشاطه و... .
 ۳. جواهرات، سنگهای قیمتی، بناها و مصنوعات انسانی: عود، طومار، شربت، شمع، آینه، سنان، قلم، دُر، محراب، سبو، قدح، چنگ، جرس، صراحی، چوگان، گوی، تیغ، مجمر، آسیا، پرنیان، حلقه، زنجیر، نقش نگین، کمند، جام، کمان، تیر، شانه، چراغ، عقیق، پرگار، رشته، جامه، ساغر، بریط، پیاله، شمشیر، قند، خنجر و... .

۱-۱-۱۰- تشبیهات مربوط به توصیف زیبائیهای معشوق در غزلیات

تشبیهات شاعر در زمینه توصیف زیبائیهای معشوق به عنوان نمونه غزلیات در پی می‌آید، ابتدا مشبه و مشبه‌به و سپس وجه شبه‌ها آورده میشود:

صفحه کلیات	وجه شبه	مشبه‌به	مشبه
۲۵۲	حیات بخشی	آب حیوان	دهان
۲۵۵	درخشندگی	آفتاب	تو (معشوق)
۲۵۶	بلندی	شب پلدا	هر تار موی معشوق
۲۵۹	درخشندگی	ماه	روی
۲۶۸	شب زنده داری	شمع	چشم
۲۶۹	طراوت	گلبرگ	تن و اندام
۲۷۱	گزندگی	سنان	غمزه
۲۷۲	شکل	شکل ماه نو	خم ابرو
۲۸۲	تناسب اندام	سرو	قد

تشبیهات مربوط به توصیف زیبائیهای معشوق در غزلیات سلمان ساوجی در همان چارچوب سنتی و کلیشه‌ای شعر فارسی می‌گنجد، شاعر در این زمینه تشبیه جدیدی نساخته است.

بیشتر عناصر تشبیهات مربوط به وصف معشوق، گله‌ها، درختان و پاره‌ای از عناصر طبیعت و اندکی مربوط به احجار کریمه و مصنوعات انسانی و لوازم زندگی است. در تشبیهاتی که سلمان برای اجزای چشم معشوق آورده، از قبیل تشبیه ابرو به کمان، مژه به تیر، خم ابرو به شکل ماه نو و ابرو به محراب و... وجه شبه اشتراک در شکل است. در همه تشبیهاتی که از رخ یار شده، توجه به عنصر رنگ و نور آشکار است. از قبیل تشبیه رخ به آینه، گل سوری، ماه، گل و خورشید و... و نیز تشبیهات مربوط به زلف، وجه شبه رنگ است اما در تشبیهات مربوط به لب علاوه بر رنگ، در یک مورد طعم (لب به قند) نیز یافت شد.

۲-۱- تشبیهات اضافی

۱-۲-۱- درهم تنیدگی تناسب مبتنی بر تلمیح با اضافه‌های تشبیهی با عنوان شاخصه

سبکی سلمان ساوجی

در کلیات سلمان ساوجی جمعاً ۷۴ اضافه تشبیهی گره خورده با تناسب، وجود دارد که ۲۸ اضافه تشبیهی از نوع تلمیحی و ۴۶ اضافه تشبیهی از نوع غیر تلمیحی است.

مراد و مقصود ما از گره‌خوردگی و پیوند تشبیه بلیغ اضافی با تناسب این است که «مشبّه‌به» تشبیه بلیغ اضافی در عین حالی که خود از یک سو جزئی از ارکان تشبیه است از سوی دیگر، بدون در نظر گرفتن تشبیه، این جزء یعنی «مشبّه‌به» به عنوان یکی از اجزای سازنده تناسب در درون بیت، مطرح است و پیوند ناگسستنی با تناسب دارد. یعنی در دل یک مجموعه‌ای قرار می‌گیرد که به نوعی آن مجموعه با همدیگر ارتباط و تناسب دارند. این ارتباط و تناسب نیز قابل انکار نیست و نمیتوان گفت که این جزء (مشبّه‌به) ... با مجموعه واژگانی که در درون بیت تناسب می‌سازند، رابطه و پیوندی ندارد؛ بلکه این جزء از یک طرف به عنوان «مشبّه‌به» تشبیه بلیغ اضافی مطرح است و از طرف دیگر سازنده تناسب است.

این گره‌خوردگی دو نوع است: نوع اول: «مشبّه‌به» اضافه تشبیه‌ی، سازنده تناسبی است که مبتنی بر تلمیح است.

این نوع، خاص اضافه‌های تلمیحی است.

«اضافه تشبیه‌ی را به لحاظ وجه شبه میتوان به انواعی تقسیم کرد که در کتب سنتی مورد بحث قرار نگرفته است.

اضافه تلمیحی: تشبیه بلیغ اضافی است که در آن فهم وجه شبه در گرو آشنایی با داستان و اسطوره و به اصطلاح، تلمیحی است، مثل مصرِ عزّت که در آن با توجه به داستان یوسف (در مصر به عزت رسید و عزیز مصر شد) به مصر تشبیه شده است. یا ماهی نفس که در آن نفس به لحاظ اسیر ساختن با توجه به داستان یونس (یونس در شکم ماهی بود) به ماهی تشبیه شده است:

همچو یوسف بگذر از زندان و چاه تا شوی در مصر عزّت پادشاه
ای شده سرگشته ماهی نفس چند خواهی دید بد خواهی نفس (منطق الطیر)

اضافه‌های تلمیحی در متون ادبی ما بسیار است. بنیاد اضافه‌های تلمیحی تشبیهات مبتنی بر تلمیح است.

چه بسا ابیاتی که تا تلمیح را ندانیم معنی آن - وجه شبه - را نخواهیم فهمید» (بیان، شمیسا: صص ۱۱۷-۱۱۸).

نوع دوم: گره‌خوردگی تناسب با اضافه‌های تشبیه‌ی است که مبتنی بر تلمیح نیست، در این نوع «مشبّه‌به» اضافه تشبیه‌ی به نحوی از انجا با واژه یا واژه‌هایی در بیت ارتباط و تناسب دارد. این ارتباط و تناسب میان واژه‌ها سبب لذت ادبی میشود، به قول ابوریحان

بیرونی: «نفس آدمی به هر چیز که در آن تناسبی وجود داشته باشد، میل میکند و از آنچه بی‌نظام است روی گردان است و مضمّن» (موسیقی شعر، شفیهی کدکنی: ص ۱۰۶).

یوسف جان:

تابه کی خواهی دلم در بند هجران داشتن یوسف جان عزیزان رابه زندان داشتن^(۳۹۵)
یوسف، عزیز و زندان واژه‌هایی هستند که داستان حضرت یوسف را به ذهن تداعی میکنند.
«یوسف» در معنای اصلی خود با «زندان» و «عزیز» تناسب دارد.

۱-۲-۲- در هم تنیدگی «تناسب» با اضافه‌های تشبیهی غیر تلمیحی به عنوان شاخصه سبکی شعر سلمان

آتش سودا:

ای بسا کز آتش سودای آن مشکین رسن دودپیچاپیچ من زین آبگون چنبر گذشت^(۲۶۵)
«سودا» به آتش تشبیه شده است، آتش در معنی حقیقی خود که در این جا مدنظر نیست با «دود» ایهام تناسب دارد. «دود» استعاره از «آه» است.
شب فراق:

شب فراق تو را روز وصل پیدا نیست عجب شبی که در آن شب امید فردا نیست^(۲۶۶)
شب فراق ایهام دارد: الف. شبی که فراق تو به وقوع پیوست. ب. فراق تو چون شب است
«شب» در معنی حقیقی خود با «روز» تناسب دارد.

۱-۲-۳- منابع الهام اضافه‌های تشبیهی

منابع الهام اضافه‌های تشبیهی به طور کلی به چهار دسته تقسیم میشوند. الف - طبیعت بی روح: شامل زمینی و فلکی. ب - طبیعت زنده: شامل نبات (گلها، درختان، باغ و...) حیوان و پرندگان و انسان (اعضا و اندام و امور مربوط به انسان). ج - مصنوعات انسانی (بناها و ساختمان‌های مذهبی و غیر مذهبی و اشیاء). د- جواهرات و سنگهای قیمتی
الف. طبیعت بی روح شامل زمینی و فلکی: شب، سنگ، عقد ثریا، دریا، سحاب، چاه، مهتاب، سیل، فرات، طور، سپهر، عین (چشمه)، صباح، آتش، صبح، کان، کوچه، گردون، شام، آب، ابر، چشمه، نجوم، کوه، نسیم، آفتاب، هلال، خورشید، طوفان، سراب، جویبار، چرخ، محیط، گرد، بحر، نور، انجم، نیل، شعرا، بیابان، صرصر، آسمان، باد و ...

ب. طبیعت زنده شامل نبات (گلها و درختان): گل، سرو، سپند، گلزار، سنبل، نخل، نرگس، بادام، درخت، باغ، بهار، سدره، طوبی و حیوان: پیل، آهو، اسب، مار، براق و... پرندگان: طاووس، مرغ، طوطی، زاغ، کرکس، هما، عنقا، بلبل، بوم و... .

انسان (اعضا و اندام) و امور مربوط به انسان: اطفال، شاهد، عروس، سلطان، مخدرات، دهقان، دبیر، زلف، روی، رخ، خال، ابرو، اشک، قامت، طره، دهان، زال، رستم و... .

ج. مصنوعات انسانی (بناها، ابزار): طشت، هاون، خاتم، منجنیق، شمعدان، طاس، شمشیر (حسام) افسر، مهد، آسیا، سایبان، گنبد، جامه، بالش، شمع، طوق، چتر، آینه، دام، قلعه، رشته، قبا، ساغر، کشتی، تیر، رایت، گوی، چوگان، جام، دفتر، خرگه، تیغ، سفره، پیراهن، کلاه، قصر، کعبه، کاخ، چراغ، محراب و... .

د. جواهرات و سنگهای قیمتی و اشیاء زینتی: گوهر، سرمه، صدف، کیمیا، زمرد، لؤلؤ، دُر، گنج و... .

گاهی ترک و مأجوج به عنوان مشبّه‌به ترکیب تشبیهی بکار رفته است.

۱-۲-۴- اجزای سازنده ترکیبات تشبیهی از نظر حسی و غیرحسی با ذکر نمونه‌ها

در کلیات سلمان ساوجی جمعاً ۱۵۳۹ ترکیب تشبیهی وجود دارد که ۸۷۳ ترکیب اضافی تشبیهی در قصاید و ۶۶۶ ترکیب تشبیهی در غزلیات، قطعات، رباعیات، ترجیعات، ترکیبات و مثنویات به کار رفته است «در ترکیبها تشبیهی، تشبیهات بدون وجه شبه و ادات تشبیه به کار میروند و علمای بلاغت این نوع تشبیه را بلیغ گویند که نسبت به تشبیهات مفصل از رسایی بیشتر برخوردار است و عینیت و این همانی بیشتری را در تجسم مشبّه، به یاری مشبّه‌به القا می‌کند» (صور خیال در شعر شاعران سبک خراسانی، طالبیان: ص ۲۶۴).

بطور کلی اجزای سازنده ترکیبات تشبیهی کلیات سلمان ساوجی از نظر حسی و غیر حسی (عقلی) به سه دسته تقسیم میشود:

الف . «۸۹۱» تشبیه اضافی وجود دارد که در آنها مشبّه (- مضاف الیه) مفهومی انتزاعی یا بطور کلی نامحسوس است و مشبّه‌به (- مضاف) محسوس است.

ب . «۶۳۱» تشبیه اضافی وجود دارد که هم مشبّه و هم مشبّه‌به هر دو محسوس هستند.

ج . «۱۷» تشبیه اضافی وجود دارد که مشبّه حسی و مشبّه‌به عقلی است.

تشبیهات فشرده که با افزودن دو طرف تشبیه (مشبّه و مشبّه‌به) به صورت یک ترکیب اضافی در می‌آید در کلیات سلمان ساوجی اغلب قریب به اتفاق موارد، مضاف در آن، مشبّه‌به و مضاف الیه، مشبّه است.

جدول تشبیهات

نوع تشبیه	مؤکد	مرسل	مجمل	مفصل	بلیغ	ملفوف	مفروق	تشبیه جمع
تعداد	۱۸۸۶	۶۶۲	۲۰۴۵	۵۰۳	۱۸۱۴	۹	۵۱	۴۰

نوع تشبیه	مقید	مفرد به مفرد	مفرد به مرکب	مرکب به مرکب	حسی به حسی	عقلی به حسی	حسی به عقلی	عقلی به عقلی
تعداد	۱۵	۲۶۹۳	۶	۱۴۰	۱۸۱۱	۹۸۵	۳۹	۴

جمع تشبیهات: ۲۸۳۹

۲- تحلیل مباحث استعاره و انواع آن

۲-۱- استعاره‌های مصرّحه و حوزه‌های مختلف بکارگیری آن

در کلیات سلمان ساوجی جمعاً (۷۵۸) استعاره مصرّحه وجود دارد که در حوزه‌های مختلف بکار رفته است.

۲-۱-۱- توصیف و تصویر طبیعت

استعارات حوزه توصیف و تصویرگری طبیعت شامل دو دسته است:

الف . طبیعت بی روح زمینی و فلکی شامل: خورشید، نور خورشید، شب‌نم، باران، برف، زمین، ماه، باد، آسمان، ستارگان، دنیا، شب و روز، آب، دجله و ...

ب . طبیعت زنده شامل: گلها، شکوفه‌ها، گیاهان و ...

لؤلؤ لالا: استعاره از قطرات شب‌نم:

لعل و پیروزه: گلها و شکوفه‌ها

نشاند بر کمر کهسار ظرف لعل و پیروزه در آویزد به تاج لاله شب‌نم لؤلؤ لالا (۱۵)

زر: قطرات باران:

تاج نرگس را بیاراید به زر هر شب سحاب آتش‌گل را بر افروزد به دم هر دم صبا^(۲۲)

۲-۱-۲- استعارات مصرّحه بکار رفته برای ممدوح و معشوق در قصاید

با توجه به اینکه سلمان ساوجی در مقدمه قصاید به توصیف طبیعت و زیباییهای آن و همچنین به وصف معشوق و ممدوح پرداخته است، استعارات مربوط به معشوق و ممدوح بیشتر در این قسمت (مقدمه) آمده است. «راجع به تشبیت و تغزلهای قصاید سلمان این

نکته را باید همواره در نظر داشت که معشوق و ممدوح غالباً مشتبه می‌گردد» (کلیات سلمان ساوجی، تصحیح مهرداد اوستا). بنابراین استعارات مصرّحه هم شامل ممدوح است و هم معشوق «معمول این است که شعرا در ابتدای قصاید وصف معشوق میکنند و بعد به مدح ممدوح می‌پردازند، برای سلمان غالباً ممدوح و معشوق مشتبه شده و تغزل از تخلص به مدیحه می‌رسد گویی وقتی تغزل را شروع میکند، همان ممدوح را در نظر دارد» (کلیات سبک‌شناسی، شمیسا: ص ۲۰۲). به همین خاطر استعارات مربوط به معشوق و ممدوح غالباً در هم تنیده‌اند و نمی‌توان دقیقاً مشخص کرد که کدام استعاره مخصوص ممدوح است و کدام یک مربوط به معشوق. استعاراتی که در این حوزه مانند حوزه‌های دیگر همراه ایهام تناسب است. مه: سلطان اوپس:

مهی گشت از افق طالع که پیش طالع سعدش کمرچون توأمان بسته است خورشید جهان آرا (۲۲)

۲-۱-۳- استعارات مصرّحه ویژه معشوق در سایر اشعار

استعارات مصرّحه ویژه معشوق که در غزلیات، قطعات، رباعیات، ترجیعات، ترکیبات و مثنویات بکار رفته است، همان استعارات معمول و مشهور و رایج ادب فارسی است که شاعران قبل از سلمان ساوجی در اشعار خویش به کار برده‌اند. از مجموع (۷۵۸) استعاره مصرّحه، (۱۴۲) استعاره ویژه معشوق است.

۲-۱-۴- استعارات قلمرو عام غزل و تغزل

استعاره‌های مصرّحه‌ای که در قلمرو غزل و تغزل به کار گرفته است، همان استعاره‌های معمول و رایجی است که شاعران پیش از وی و همعصران او به صورت سنت ادبی بکار برده‌اند. استعارات معمولی چون سرو برای قد و محبوب، نرگس برای چشم، لاله استعاره از گونه، آب و آب خونین برای اشک ماه برای روی و لعل برای لب و امثال اینها از همان ابتدای شعر فارسی شروع شده است و در شعر شاعرانی چون رودکی، دقیقی، فرخی و... بکار گرفته شده است و بعدها به صورت یک سنت ادبی به حیات خود ادامه داده تا اینکه به شاعرانی چون سلمان ساوجی رسیده است. تفصیل این گونه استعارات در شعر شاعران سبک خراسانی بطور مفصل در کتاب صور خیال سبک خراسانی آمده است.

۲-۱-۵- قریب و بعید بودن استعاره‌های مصرّحه

استعارات مصرّحه سلمان ساوجی، استعاره در اسم (اصلیه) هستند و سابقه بکارگیری آنها در شعر شاعران پیش از سلمان ساوجی وجود دارد. بطور مثال در حوزه استعارات مصرّحه، میتوان با مقایسه استعارات مصرّحه شاعران سبک خراسانی و استعارات مصرّحه سلمان ساوجی، سابقه آنها را براساس کتاب «صور خیال در شعر شاعران سبک خراسانی» نشان

داد. استعارات مصرّحه سلمان ساوجی از نوع قریبند چرا که ژرف ساخت آنها مبتنی بر تشبیهات بسیار ساده و کهنه و تکراری است برای فهم جامع یا وجه شبه آنها نیاز به تلاش ذهنی زیادی نیست به محض دیدن واژه استعاره، ژرف ساخت تشبیهی آن در ذهن نقش میبندد. به نمونه‌های زیر توجه نمایید: بادام استعاره از چشم، پسته: دهان، ماه: چهره، سمن: چهره، نرگس: چشم، لعل: لب، گل: چهره، گوهر: اشک، یاقوت: لب، بنفشه: زلف، خورشید: چهره، سرو: قد معشوق یا معشوق، برف: موی سفید، شب: زلف، آفتاب: رخ، چوگان: زلف، سنبل: زلف، خدنگ: نگاه، عنّاب: لب، خط سبزه: موی لب معشوق، رنجیر: زلف معشوق، تیر: نگاه، باغ: عشق، لعل آتشین: شراب، کمند: زلف، دُرّ: اشک، قمر: چهره، شکر استعاره از لب.

۲-۲- استعاره مکنیه

۲-۲-۱- استعاره مکنیه از نوع تشخیص (اضافه استعاری) با ذکر نمونه

تشخیص در شعر سلمان اغلب به صورت اسنادی است، اما تشخیص به صورت فشرده که حاصل ترکیبهای اضافی است، نیز در شعر او وجود دارد. چون یک سوی این ترکیبهای اضافی به نوعی با انسان مربوط میشود آنها را در شمار «تشخیص» می‌آوریم.

این استعاره‌های مکنیه از نوع تشخیص را میتوان به دو دسته تقسیم کرد:

الف- افزودن یکی از اعضاء یا صفات مربوط به انسان، به یک مفهوم انتزاعی یا به طور کلی غیرمحسوس مانند: فرق کهسار (۴)، غیرت عدل (۸۱)، پشت امید (۴۹)، پای دل و جان (۴۶)، گردن عصیان (۴۷)، روی نصرت (۵۴) و...

در شعر سلمان ۳۹۰ استعاره مکنیه از نوع تشخیص به کار رفته است که از این میان ۱۳۸ اضافه استعاری مربوط به نوع اول است، یعنی یکی از اعضاء یا صفات و ویژگیهای مربوط به انسان به یک مفهوم انتزاعی یا به طور کلی غیرمحسوس افزوده شده است.

ب- افزودن یکی از اعضاء یا صفات مربوط به انسان به یک شیء محسوس طبیعی شامل طبیعت بی جان فلکی و زمینی و طبیعت زنده شامل گلها و شکوفه‌ها و نیز مصنوعات انسانی. مانند: دامن خار (۱)، بدن خاک (۳)، رخ لاله (۴)، دست صبا (۴)، رخسار گل (۷)، روی هوا (۱۱)، چشم فلک (۱۷)، رخ خورشید (۱۷)، دل نی (۲۰۰)، چشم دریا (۱۸۹)، نبض هوا (۱۶۷)، خون ساغر (۴۴۸)، دیده نرگس (۳۵۹)، گردن صراحی (۲۶۲) و...

نمونه‌های نوع اول: خانمان فراق:

شبانگه که آید زمان فراق که بادا سیه خانمان فراق (۴۹۷)

رخ باده:

از آب رخ باده دم باد صبا نیز بنشانند بر خاک سیه نار و دخان را (۴)

۲-۲-۲- استعاره مکنیه از نوع غیر تشخیص با ذکر نمونه (اضافه استعاری)

در استعاره مکنیه مشبه ذکر میشود، علاوه بر آن یکی از اجزاء یا صفات و ویژگیهای مشبه به نیز در کلام میآید. این جزء مشبه به یا ویژگی آن در استعاره مکنیه از نوع اضافی، به مشبه اضافه میگردد. حال اگر این جزء یا ویژگی مشبه به مربوط به انسان نباشد، آن را استعاره مکنیه از نوع غیر تشخیص مینامیم.

در اشعار سلمان ساوجی استعاره مکنیه (اضافه استعاری) از نوع غیر تشخیص دو گونه است: الف. مشبه به محذوف حیوان است «و به اصطلاح استعاره، جانور مدارانه است» (بیان، شمسیا، ص ۱۹۷). مانند: ران فلک، فتراک دولت، رکاب عزم، فتراک فلک.

ب. مشبه به محذوف غیر ذی روحست. مانند: شاخ امید، شاخ وحدت، موج کرم، ساحل رحمت. «این نوع - یعنی مشبه به محذوف غیر ذی روح - در زبان کهن فارسی چندان مرسوم نبوده ولی امروزه گرایشی به استفاده آن دیده میشود: ژرفنای غم (غم به دریایی تشبیه شده که ژرفنا از ملائمت آن است)، عمق اندوه» (همان: ۲۰۲).

در شعر سلمان ساوجی ۵۴ اضافه استعاری از نوع غیر تشخیص یافت شد. استعاره‌های مکنیه از نوع غیر تشخیص مانند: شاخ وحدت (۱)، سایه رأی (۹)، شاخ امید (۱۲)، موج کرم (۱۷)، آفاق چشم (۲۴)، ساحل رحمت (۲۶)، رکاب آفتاب (۲۶)، موج دل (۲۷).

نتیجه

پس از بررسی و تحلیل تشبیهات و استعارات سلمان ساوجی، بر رویهم نتایج زیر بدست آمد: شعر سلمان از نظر تشبیه چه به صورت گسترده و چه به صورت فشرده، بسیار غنی است. بعد از تشبیه، استعاره مصرّحه، استعاره مکنیه از نوع تشخیص و استعاره مکنیه از نوع غیر تشخیص عناصر خیال وی را تشکیل میدهند.

تشبیهات شاعر در مدح معشوق و ممدوح و توصیف زیباییهای طبیعت و وصف مجالس بزم و از این قبیل مسائل است. شاعر بیشتر به تشبیهات بلیغ و مرسل و مفرد و حسی گرایش دارد، تشبیه تفصیلی در شعر وی وجود ندارد. در تشبیهات، از ادات معمول و رایج ادب فارسی، استفاده کرده است. طبیعت بی‌جان شامل زمینی و فلکی و طبیعت زنده شامل

گلها، درختان، پرندگان و حیوانات و نیز انسان و امور انسانی و مصنوعات، اجزای سازنده تشبیهات وی هستند.

در شعر سلمان تشبیه مرکب نیز وجود دارد که اغلب اجزای سازنده آنها حسی به حسی هستند. وجه شبه‌ها در تشبیهات مرکب بیشتر اشتراک در شکل و رنگ و بعد از آن، اشتراک در نتایج است، یعنی نتیجه‌ای که از اجزای مشبّه بدست می‌آید، مانند نتیجه‌ای است که از اجزای مشبّه‌به حاصل میشود. ایهامهای نهفته در تشبیهات مرکب، تصاویر تشبیهی را خیال‌انگیزتر و از نظر هنری، پیچیده‌تر و جذابتر، کرده است. تشبیه مفرد به مرکب بسیار اندک است. در تعدادی از تشبیهات، «تناسب» مبتنی بر تلمیح است که این شگرد بدیعی، موسیقی معنوی ابیات وی را افزایش داده و از جمله شاخصه مهم سبکی شعر سلمان ساوجی است.

استعاره‌های مصرّحه در حوزه‌های مختلفی چون توصیف و تصویر طبیعت، مدح ممدوح، وصف معشوق و خلاصه در قلمرو عام غزل و تغزل به کار رفته‌اند. استعارات مصرّحه، استعاره در اسم (اصلیه) هستند و از نوع قریبند، چرا که ژرف ساخت آنها مبتنی بر تشبیهات ساده و روشن است. فهم جامع یا وجه شبه به آسانی صورت می‌گیرد.

استعاره مکنیه از نوع غیرتشخیص در شعر سلمان دو گونه است: گاهی مشبّه‌به محذوف حیوان است، مانند: ران فلک و فتراک دولت، گاهی مشبّه‌به محذوف غیر ذی‌روح است، مانند: موج کرم و ساحل رحمت. تعداد این نوع استعاره‌ها نسبت به استعاره‌های مکنیه از نوع تشخیص بسیار کمتر است.

در استعارات مکنیه از نوع تشخیص، اعضا یا صفات مربوط به انسان به یک مفهوم انتزاعی یا به طور کلی به یک غیرمحسوس و نیز یک شیء محسوس طبیعی افزوده شده است. «عنصر ترک و سپاهگیری» که بازمانده یک سنت ادبی است، در استعارات و تشبیهات شاعر راه یافته است.

منابع

۱. بیان (با تجدیدنظر و اضافات)، شمیسا، سیروس، چاپ نهم، انتشارات فردوس، تهران، سال ۱۳۸۱.
۲. تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله، جلد سوم، بخش دوم، چاپ هشتم، انتشارات فردوس، تهران، سال ۱۳۷۱.
۳. سفر در مه، پورنامداریان، تقی، چاپ دوم، انتشارات نگاه، تهران، سال ۱۳۸۱.
۴. شعر و اندیشه، آشوری، داریوش، چاپ سوم، نشر مرکز، تهران، سال ۱۳۸۰.

۵. صور خیال در شعر شاعران سبک خراسانی، طالبیان، یحیی، چاپ اول، مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی عماد کرمانی، کرمان، سال ۱۳۷۸.
۶. صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا، چاپ هشتم، انتشارات آگاه، تهران، سال ۱۳۸۰.
۷. کلیات، ساوجی، سلمان، با مقدمه و تصحیح مهرداد اوستا، کتابفروشی زوار، تهران.
۸. کلیات سبک‌شناسی، شمیسا، سیروس، چاپ اول، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۷۲.
۹. موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا، چاپ دوم، انتشارات آگاه، تهران، سال ۱۳۶۸.

مقالات

- تأثیر و تأثر سلمان ساوجی و حافظ شیرازی، محمودرضا سازواری، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، تابستان ۸۹، شماره پیاپی ۸.

Archive of SID

Archive of SID